

"سیا" است یک بام ودو هوا !

و شستشوی اندیشه ها !



پیوسته به گذشته قسمت یکصد و پنجم :

شائعه وجود عقب نشینی استراتژیک نیروهای موسوم به اردوی ملی افغانستان از ولایات جنوب غربی افغانستان به قدری محکم و ریشه دار شده است که نه فقط مطبوعات آزاد و سرکاری آنرا جدی گرفته اند و درباره آن مطالبی را مینویسند و منتشر میسازند که هیچگونه جای بحثی در آن نیست بلکه مردم عادی و **عوام الناس** نیز وقتی چنین شائعاتی را بصورت مستند میبینند و میشوند با ناقراری و اضطراب خود را و اداروملزم به اشتراک در این بحث سرنوشت ساز تاریخی می بینند .

https://www.youtube.com/watch?v=MBy9f80_P40

عقب نشینی های آخیری مبنی بر ترک پوسته ها و مراکز نظامی زاسوی ارتش ملی که هم اکنون جریان دارد مورد بحثهای موافق و مخالف قرار گرفته است . دولت وحدت ملی بروزن " مالی " از یکسو با توده های محروم و تهی دستی مواجه است و از سوی دیگر دست های ناپاکی از آستین پوشیده این دولت مافیائی بیرون آمده و می خواهد طوری وانمود کند که گویا تحرکات اخیر ارتش ملی وابسته به دولت ام فیائی بر مبنای محاسبات نظامی و تاکتیکی طراحی شده است تا ارتش ملی با صلابت و قاطعیت لازم وارد عمل شوند . !! اما حقیقت غیر از آنچه هست که سخنگویان رسمی و نیمه رسمی در باره تحرکات اخیر دسته های از ملیشا ها و ارتش به اصطلاح ملی در باره آنچه که " عقب نشینی تاکتیکی !! " میخوانند ، بیان میدارند . بنابر این از نظر سیاسی اگر به این فرضیه نگرسته شود نه میتوان آنرا با این سادگی دانست زیرا ما در جهان دهکده ماندی زندگی میکنیم که انسان ها را محکوم به تابعیت از قوانین اش ساخته است که دقیقاً این معادله جبر الهی در تاریخ نامیده میشود و انسان صاحب بالقوه تمامی فرآورده های طبیعت و هستی است که بر مصداق آیه شریفه " **هو الذی خلق لکم ما فی الارض جمیعاً** " یا « **ان الارض لله یورثها من یشا من عباده...** » که این آیه مبارکه روی همرفته اصل « خدا مالکی بودن زمین » را اعلام میکند و این اصل را که خداوند « هر آنچه در زمین » است برای مردم آفریده است مسجل میسازد . آنچه در این زمینه بسیار اساسی دانسته میشوند این است که سرنوشت عمومی کتله های از مردم در این دهکده جهانی را با چه اجنداً و نقشه ای تعیین و تثبیت میدارند ؟ و برای رسدن به اهداف مندرج در نقشه پیشرفت اجتماعی و ترقی عمومی چه مهره های را به کار باید گرفت ؟! البته نه می خواهیم از مطالبی که آغازیده ایم به دور رویم بحث مانرا از همان جایی که آغازیده بودیم می آغازیم . گفتیم و دیدیم که تحرکات نظامی ارتش به اصطلاح ملی

افغانستان در ولایات جنوب غربی افغانستان منجر به ترک پایگاه های نظامی شده و شبه ای مبتنی بر مدارک محکمه پسندی را به وجود می آورد که این عقب نشینی تاکتیکی نه بلکه بصورت تیوریزه به دستور برخی حلقات مجعول و مجهول در نظام مبارکه شبه دموکراتیک بویژه در شورای امنیت ملی افغانستان انجام می یابد . هرچند این حکایت را در جایی دیگری نیز بیان داشته ام اما به دلیل انطباق با وضعیت کنونی کشور بویژه وضعیت تاروتاریک ولایات جنوب و جنوب غربی افغانستان بار دیگر آن حکایت را خدمت شما عزیزان تقدیم میدارم .



میگویند در یکی از جنگ ها یک سرباز نزد فرمانده رفت و تفنگی را که از دشمن گرفته بود به او نشان داد قوماندان نیز برسم تشویق به سرباز پنج روز مرخصی تشویقی داد ، سرباز پس از مدتی یک تفنگ دیگری را آورد و در مقابل اش ده روز مرخصی گرفت ، یک روز قوماندان فرقه در جمع نظامیان و دیگر سربازان از آن سرباز تقدیر کرد و از او خواست تا تاکتیک خود را به دیگر سربازان نیز بازگو کند ، سرباز بلا درنگ شروع به جواب دادن کرد و گفت : قربان ! هر دفعه یک تانک خود ما را به دشمن می دهم و یک تفنگ می گیرم .



روشها و مدیریتهای غلط و ضعف در مدیریتهای ما را به اینجا کشانده است که مردم در باره مهمترین مسائل مربوط به امنیت ملی افغانستان وارونه فکر کنند . البته این تصور غلط خود محصول نظام مصرفی با قوانین مافیائی است که در کشور ما به شیوه استثماری مورد تطبیق قرار گیرند . ما درباره ریشه های اصلی داعش و خواست پاکستان از مهره های استراتژییک خویش که در رأس آنها جلالتمآب حنیف خان اتمر قرار دارد قبلاً و با وفور سخن بعمل آورده ایم که چگونه همین حنیف خان

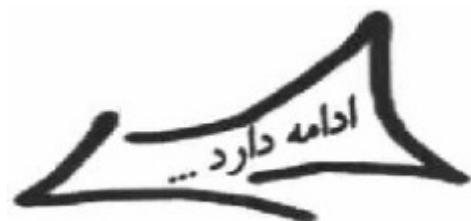
اتمر از سربازان گمنام جنگ جلال آباد با شیوه کاملاً تازه و استعمار و نهادینه ساختن فرهنگ مصرفی در بدن های نازنین چهره های "سیا" سی و مذهبی وارد صحنه گشته است؟ و یکایکی از شوالیه های "سیا" سی و مذهبی را در دام آلوده بر دالر ها شکار میکنند. (۱)

درمهما نسرا های خانقاه صلح؟

هنوز هیچ کسی نه میداند که چرا اکنون و با سپری شدن دست کم پانزده سالی که از شعار های " **نقل مطابق اصل!** " رهبران ارشد و نیمه ارشد حزب اسلامی افغانستان برهبریی جناب گلبدین حکمتیار بر آسمان نیلگون جامعه جنگزده ما میگذارد ناگهان سران این حزب تصمیم گرفتند تا هیأتی را توظیف سازند که با نادیده گرفتن هر نوع شعارهای خشونت پرور آتش دیگدان خونین صلح را برآفروخته نگهدارند. نه می خواهیم در اینجا چگونگی و ویژه گیهای این حزب که بدون شک یکی از بزرگترین پایگاه های مبارزه علیه استعمار به شمار می آمد و اکنون نیز ظرفیت بالقوه ای در جزائر گوناگون قدرت این حزب به مشاهده میرسند.

<https://www.youtube.com/watch?v=dudZyftOdQ>

هرچند نه می خواهیم ابعاد مختلف و انگیزه و وجودی که مقدمات این تصمیم گیری را فراهم آورده اند مورد بحث و تحلیل قرار دهم اما نه میتوانیم درباره صریح ترین سخنان و ارشادات آنچه که اعضای هیأت موظف شده بر آن اتکا مینمایند سخنی به میان نه آریم گرچه عده ای چشم و گوش خود را می بندند و کور و کر میکنند تا نه بینند و نشنوند و احساس نکنند که کار ما با آنها نیست. بنابراین تنها درسایه و جهت فلسفه و جهان بینی این مجموعه ای باید دید و ارزیابی نمود که چگونه شد این نهضت که زمانی خود را آغاز گر ممه تحولات جامعه افغانی و منطقه می دانست و با تعهد به اندیشه و تفکر عادلانه توحیدی به غلط و یا هم راستی مباحثات میکرد ناگهان تصمیم گرفت ات هیأتی راموظف سازد تا به " **خانقاه صلح** " بروند و هرآنچه را که در گذشته و در ایام مبارزه با استعمار و استبداد بحیث سکه ها و فرمانهای مبهمی و بصورت غیر مستند بیان داشته بود همچون عملیه پولشوئی شستشو دهند. ...



(۱) : حنیف خان اتمر با استخدام فرزندان تازه بالغ شده چهره های سرشناس سیاسی و جهادی بحیث اعضای رهبریی و با امتیازات دالری در شورای امنیت ملی افغانستان پروژه تولید نسل جاسوسان را به پیش میبرد